

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیتر کونینگ\* - Peter Koenig

برگردان از: حمید محوی

۰۵ می ۲۰۲۰

## مسخرگی و طرح اهریمنی «قرنطینه جهان شمول»

مرکز پژوهش های جهانی سازی، ۲۸ اپریل ۲۰۲۰  
(حقوق انسانی، حکومت پولیسی، اقتصاد، علم و پزشکی، خدمات اطلاعاتی)  
تحلیل کووید=۱۹



تصویر: زنی با ماسک در دمشق، ۲۴ مارچ ۲۰۲۰ (Photo: EFE)

ابتداء، مسخرگی دولت «تقریباً» جهانی را باید یادآور شویم که در سراسر جهان درباره ویروس مرگباری دروغ پراکنی می کند، سازمان جهانی بهداشت (OMS) نیز آن را کووید-۱۹ (COVID-19) نامیده است. تصمیم برای اجرائی کردن قرنطینه جهانی – عملاً به هدف فروپاشی اقتصاد جهانی – پیشتر در گردهمائی مجمع جهانی اقتصاد (FEW) در ۲۱ تا ۲۴ جنوری ۲۰۲۰ گرفته شد. در ۳۰ جنوری، سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد که کووید-۱۹ یک وضعیت اضطراری بهداشت عمومی در ابعاد بین المللی ست (PHEIC)<sup>۱</sup>. در این دوران فقط ۱۵۰ مورد کووید-۱۹ در خارج از چین شناسائی شده بود و هیچ دلیلی برای اعلام پاندمی وجود نداشت. در ۱۱ مارچ، دکتر تدروس (Tedros) مدیر کل سازمان جهانی بهداشت وضعیت اضطراری بهداشت عمومی را به پاندمی تغییر داد. این چرخش در تعبیر وضعیت چراغ سبز را برای آغاز اجرائی « طرح » روشن کرد.

<sup>1</sup> Public Health Emergency of International Concern

پاندمی در جایگاه بهانه برای توقف و سپس فروپاشی اقتصاد جهانی و بافت اجتماعی ضمنی آن ضروری بود. ولی چنین رویدادی اتفاقی نیست. شماری از رویدادها پیش زمینه را آماده کرده بودند، همه این رویدادها به سوی فاجعه تاریخی عظیمی در سطح جهانی تنظیم شده بود. همه چیز دست کم از ۱۰ سال پیش شروع شد، احتمالاً حتی بیشتر از ۱۰ سال پیش، با پرونده راکفلر در سال ۲۰۱۰ که به شکل غم انگیزی شهرت یافت و نخستین مرحله طرح هیولائی را در نخستین گام به شکل سناریویی به نام «Lock Step» (مرحله قرنطینه) ترسیم کرده است. بین آخرین پیش زمینه های «پاندمی»، رویداد ۲۰۱ (Event 201) بود که در ۱۸ اکتوبر ۲۰۲۰ در نیویورک برگزار شد.

این برنامه از سوی مرکز بهداشت عمومی جان هاپکینز، بنیاد بیل و ملیندا گیتس و مجمع جهانی اقتصاد، باشگاه ثروتمندان و قدرتمندانی که سالانه در ماه جنوری در داوس در سوئیس گردهمائی تشکیل می دهند پشتیبانی شده بود. شماری از تولید کنندگان دارو (گروه سازندگان واکسن) و به همین گونه مرکز کنترل و پیشگیری از بیماریها از ایالات متحده (CDC) و چین نیز در آنجا شرکت داشتند.

یکی از اهداف رویداد ۲۰۱ شبیه سازی مجازی/کمپیوتری پاندمی ویروس کرونا بود. ویروس شبیه سازی شده SARS-2nCoV نامگذاری شده بود، و بعداً 2019-nCoV. نتایج شبیه سازی فاجعه بار بود: ۶۵ میلیون نفر طی ۱۸ ماه کشته می شوند و بورس تا بیش از ۳۰٪ سقوط می کند و سپس با بی کاری و ورشکستگی بی سابقه ادامه می یابد. و این به طور مشخص سناریویی است که ما امروز از آغاز بحران به شکل روزمره زندگی می کنیم.

**سناریوی «Lock Step»** (قرنطینه یا قفل بندی) برخی از رویدادها یا عناصر هولناک و نگران کننده طرحی که با برنامه ID2020 (طرح هویت الکترونیک) به اجراء گذاشته خواهد شد را پیشبینی کرده است که به ابتکار بیل گیتس و کاملاً در اهداف توسعه پایدار در ملل متحد بوده و تاریخ تعیین شده برای اجرای کامل آن سال ۲۰۳۰ است (در عین حال برنامه ۲۰۳۰ نیز نامیده شده، برنامه ای سرّی و ناشناخته برای اغلب اعضای ملل متحد).

اینجا، بروشنی عناصر کلیدی به عنوان پیش درآمد آن چیزی که هم اکنون در جهان روی می دهد - و اگر جلو آن را نگیریم - در آینده نیز روی خواهد داد، نشان می دهد که چگونه این شیدای کاملاً تبهکارانه طراحی شده است. برخی بخش های سناریو چنین است:

- برنامه واکسیناسیون عمومی، احتمالاً از طریق واکسیناسیون اجباری، رویا و طرح بیل گیتس واکسیناسیون ۷ میلیارد نفر است.
- کاهش عظیم جمعیت، طرح «اوپزنیسم» (گزینش و به سازی نژادی)، که بخشی از آن از طریق واکسیناسیون و از راه های دیگر به اجراء گذاشته خواهد شد (بیل گیتس: «اگر کار واکسیناسیون را بخوبی انجام دهیم، می توانیم جمعیت جهان را ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش دهیم». (مراجعه کنید به «Innovating to Zero!»، سخنرانی طی گردهمائی سالانه تد<sup>۲</sup> 2010, Technology, Entrainment, Design، لانگ بیچ، در کالیفرنیا، ۱۸ فبروری ۲۰۱۰). بیل گیتس از سالها پیش از ضرورت کاهش جمعیت جهان دفاع می کند. در واقع، از ۲۰ سال پیش برنامه وسیع واکسیناسیون از سوی بنیاد بیل و ملیندا گیتس در افریقا، هند و در دیگر نقاط جهان رکورد نازا سازی ناخواسته زنان بین ۱۴ و ۴۹ ساله را به ثبت رسانده است. مراجعه شود به سال

<sup>2</sup> اینجا را انتخاب و کلیک با هیپر تکست کلید کنید برای دیدن و شنیدن سخنرانی بیل گیتس [conférence annuelle TED2010](https://www.ted.com/talks/bill-gates-2010-annual-conference)

۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ : کنیا برنامه وسیع واکسیناسیون علیه کزاز را به پشتیبانی سازمان جهانی بهداشت و یونیسف به اجراء گذاشت.<sup>۲</sup>

- هویت الکترونیک برای هر یک از ساکنان کره زمین، به شکل نانو-سیم کارت که احتمالاً هم زمان با واکسیناسیون اجباری تزریق خواهد شد. همه داده های شخصی این نانو سیم کارت می تواند از راه دور دریافت (تله شارژ) شود.<sup>۴</sup>

- پول مجازی کمپیوتری و حذف پول نقد.

- گسترش جهانی 5G (نسل پنجم) و متعاقباً 6G نسل ششم.

اجرای چنین طرحی به کنترل کامل همه ساکنان سیاره زمین جامعه عمل می پوشاند. طرحی که امروز به نام اینترنت اشیا (Internet of Things) به عموم می فروشند، یعنی اتوموبیلهای خودکار، تجهیزات خانگی رباتیک، هوش مصنوعی برای تولید و پخش هر کالائی. ولی آنچه را که در گفتمان فروشنده ناگفته بر جا می ماند، این است که چگونه انسانها به حاشیه و سپس به بردگی سوق داده می شوند. برای پیشبرد این طرح جهت دار، به امواج الکترومغناطیسی با فرکانس بالا نیاز خواهد بود که برای **گسترش نسل پنجم 5G ضروری ست**، ولی درباره تأثیرات آن روی سلامت انسانها، محیط زیست گیاهان و حیوانات، یا روی عفونت ویروسی و شاید کووید-۱۹ کنونی چیزی نمی دانیم. [به این علت که هیچ پژوهشی در این زمینه انجام نگرفته است].

سازمان جهانی بهداشت درباره این موضوع سکوت اختیار کرده، گرچه اعتراف می کند که هیچ بررسی رسمی مستقل روی خطر 5G و به طور کلی میدان الکترومغناطیسی انجام نگرفته است. این ماجرا به این معناست که سازمان جهانی

---

<sup>3</sup> [le Kenya a mené un programme massif de vaccination contre le tétanos, parrainé par l'OMS et l'UNICEF.](#)

<sup>4</sup> مترجم : درباره موضوع هویت الکترونیک مراجعه کنید به مقاله «کروناویروس - نتایج مگا افسردگی قریب الوقوع...»، «هیچ واکسینی برای جلوگیری کروناویروس ضروری نیست». نوشته پیترو کونینگ.

<sup>5</sup> مترجم : نباید فراموش کنیم که در وضعیت کنونی فن آوریهای موجود نیز برای کنترل جمعی امکانات فوق العاده ای را به وجود آورده که بی گمان هویت الکترونیک تاجگذاری این سامانه ها به حساب خواهد آمد. زیرا علاوه بر سرمایه های مالی و سرمایه های نمادینه خصوصی که خطوط مرز طبقاتی را مشخص می کند و علاوه بر کنترل وسائل ارتباط جمعی و تزریق ایدئولوژی طبقه حاکم که قویاً باید آن را یکی از ابزارهای کار کنترل توده ها تلقی کنیم، تلفون ثابت و یا تلفون همراه (حتا وقتی که خاموش است می تواند صدای شما را ضبط و ارسال کند)، اینترنت، کارت بانکی، کارت بیمه های درمانی، کارت استفاده دراز مدت از مترو و احتمالاً کارت شناسائی دارای سیم کارت، دستگاه های کنترل مصرف برق به ویژه در کشورهای اروپائی و به همین گونه کلیه دوربین های حرآستی در ساختمانها، مراکز تجاری، معابر عمومی و خیابانها و جاده ها (برای نظارت بر سرعت اتوموبیلها و ارسال اتوماتیک جریمه برای متخلفان)... در مجموع برای ما سرسرا بین (پان اوپتیک Panoptique) عظیم بسیار مؤثری را که در زندانها برای نظارت بر کوچکترین حرکت زندانیان در سلولهایشان به کار می برند تداعی می کند.



کتاب بسیار مشهور جرج اورول به نام «۱۹۸۴» که در دوران جنگ سرد به عنوان ابزار کار ایدئولوژیک علیه بلوک شرق به کار برده شد، امروز کاملاً می تواند نظام سرمایه داری، نئولیبرالیسم و روند جهانی سازی را بازنمایی کند.

بهداشت درباره این طرح مرگبار با قدرتمندان همکاری کرده است. کافی ست یادآور شویم که خلاف دیگر آژانس های ملل متحد، سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۴۸ به وسیله بنیاد راکفلر ایجاد شد<sup>۶</sup>. لازم به یادآوری ست که تقریباً نیمی از بودجه سازمان جهانی بهداشت از منابع خصوصی، بیشتر از سوی صنایع داروسازی و به همین گونه منابع دیگر مانند غولهای مخابرات تأمین می شود.

این نشانه مقدمه ای ست برای درک چیزهایی که طرح ریزی شده اند، و می تواند نقاطی را به یک دیگر پیوند زده و چشم انداز کلی آینده را به ما نشان دهد.

این نشانه در عین حال برای درک رویدادهای کنونی، در نخستین مرحله از سناریوی «Lock Step» قرنطینه به ما یاری می رساند و بروشنی سرشت جنایتکارانه دولت سایه را نیز ترسیم می کند.

سقوط بورس اهمیتی ندارد – زیرا سندروم سوداگرانه و جزء خطرات مربوط به ثروتمندان است، زیرا بورس را غربی ها برای بازی با سرمایه اختراع کرده اند که به ضرر کارگران تمام می شود. ولی زندگی کارگران به کار بستگی دارد که یگانه سرمایه آنان است. وقتی «Big Money» (قدرت بزرگ مالی) به ذوب در یکدیگر یا ورشکستگی فرا می خواند، آنان (کارگران) نخستین هائی هستند که باید بروند.

امروز، قرنطینه جهانی توجیه ناپذیر، قفل خوردن تمام و کمال شرکتهای بزرگ و کوچک، رستورانها، ساختمان، گردشگری، سخت افزار فروشی های بزرگ و کوچک، نانوائی، شرکتهای هوایی، حمل و نقل، توقف زنجیره تدارکاتی، کارخانه ها، مواد غذایی و این روند همچنان ادامه دارد.



در کشورهای شمال (توسعه یافته) تا ۹۰٪ معاملات بازرگانی به شرکتهای کوچک و متوسط تعلق دارد. امروز تقریباً همه آنها در وضعیت تعطیلی به سر می برند. بیش از دو سوم این شرکتهای کوچک و متوسط در این خطر هستند که هرگز نتوانند به فعالیت خود ادامه دهند. کارمندان و کارگران یا کارشان را از دست داده اند و یا به کار پاره وقتی با حقوق پاره وقتی محکوم شده اند، ولی با وجود این باید به نیازهای خانواده هایشان پاسخ بگویند. به این ترتیب، استقرار فقر و ناامیدی عمومیت می یابد.

هیچ آینده ای در چشم انداز دیده نمی شود. میزان خودکشی افزایش خواهد یافت – یونان را در سالهای بحرانی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ به یادآورید – و تا ده سال بعد – و خانواده های ویران شده، مصادره شده، خانواده های اخراج شده از خانه های

<sup>6</sup> [The Lancet](http://www.thelancet.com)

اجاره ای به این دلیل که نمی توانستند اجاره خانه هایشان را بپردازند. گدائی در خیابانها عادی می شود، با این تفاوت که کمتر از همیشه افرادی پیدا می شوند که یک سنت به آنها بدهند.

در اروپا، یک سوم جمعیت فعال، حتا بیش از ۵۰٪ بر اساس کشور و ساختار نیروی کار باید بیکار و یا به کار پاره وقتی تنزل داده شود. و ما فعلاً فقط در آغاز این روند هستیم. در ایالات متحده ارقام رسمی بی کاری در حال حاضر از مرز ۲۳ میلیون عبور کرده است، و به گفته بانک مرکزی، گلدمن ساکس و بلومبرگ در کوران سه ماه آینده باید به ۳۲٪ تا ۴۰٪ برسد. ورشکستگی ها اجتناب ناپذیر خواهد بود.

**صندوق بین المللی پول برای ۲۰۲۰ انقباض اقتصاد جهانی را فقط ۳٪ و میزان رشد ضعیفی را نیز در آخرین فصل ۲۰۲۱ پیشبینی کرده که کاملاً مسخره است!** این جماعت روی کدام سیاره زندگی می کنند؟ چه کسانی را می خواهند گول بزنند و چرا؟ شاید برای تشویق کشورها تا حجم زیادی از ارزهای خارجی را از این مؤسسات ویرانگر برتون وودز (Bretton Woods) (در صندوق بین المللی پول) وام بگیرند، برای این که تا بی نهایت خودشان را زیر بار قرض ببرند و تصور کنند که با پیشبینی های صندوق بین المللی پول همه چیز بخوبی پیش خواهد رفت؟ برای این که با فریبکاری آنان را به وضعیت برده تنزل دهند؟

این شمال جهانی (Global North) است که نوعی شبکه ایمنی اجتماعی در اختیار دارد که هر چند شکننده ولی روزنه امیدی برای تسکین به وجود آورده است. روزنه امید دیگری نیز وجود دارد که روی این فرضیه بنا شده که بشریت بی وقفه در حال پیشرفت است و با کار مهندسی و هوشمندانه اختراع می کند و همچون رودخانه ای سیال به سوی چشم اندازهای جدید پیش می رود، و با تحرک جدید کار های جدید ایجاد می کند... آری این آن چیزی است که بشریت از عهده آن بر می آید و در آسایشی که داریم این خصوصیت را فراموش کرده ایم، خصوصیت بارزی که برای زیستن به کار می آید، تلاش برای بقاء در بحران ویروس کرونا.

جنوب جهانی (Global South) یا کشورهای در حال توسعه تاریخ تاریکتری را نشان می دهد. در وضعیت عادی، یک سوم تا نیمی از اقتصاد غیر رسمی است، یعنی تابع هیچ یک از شاخص های سازمانهای رسمی یا حقوقی نیست. کارگران در این جهان جنوبی به شکل موقت کار می کنند، روزمزد و یا حتا بر اساس ساعت، روز به روز کار می کنند بی آن که توان پس انداز داشته باشند، بدون هیچ پوشش شبکه ایمنی اجتماعی و در اغلب موارد فاقد بیمه درمانی هستند. این کارگران به مفهوم واقعی کلمه به لطف و هوسهای «بازار» سپرده شده اند. اکنون، بازار دچار فروپاشی شده است.

دیگر هیچ چیزی وجود ندارد. کار وجود ندارد، حقوقی نیز وجود ندارد. پولی برای خرید مواد غذایی، دارو و پرداخت اجاره خانه وجود ندارد، و دولت در چنین وضعیتی به آنان یعنی به فقیرترین ها دستور داده که در خانه هایشان بمانند، در قرنطینه بست بنشینند تا در مقابل ویروس از خودشان محافظت کنند. ویروس تحمیلی که هیچ کس آن را نمی بیند ولی دولت و رسانه ها سعی می کنند شما نسبت به آن آگاه باشید و از خطرات ناشی از آن بترسید. و شما هرگز نمی توانید از حقیقت امر آگاه باشید.

قرنطینه در «خانه»؟ خانه کجاست؟ خانه نیست، رفت. پولی برای پرداخت اجازه خانه نیست. حفظ فاصله اجتماعی، تجمع نکنید. فاصله بگیرید. عفونت می تواند گسترش یابد. در این روند گسترش چتر ترس یک امر اساسی است.

شهری مانند لیما در پرو را در نظر بگیرید. کل جمعیت پرو تقریباً ۳۰ میلیون نفر است. تقریباً ۱۱ میلیون نفر در لیما زندگی می کنند که ۳ تا ۴ میلیون نفر از آنان در حاشیه جامعه زیر خط فقر و ساکن حلبی آبادها هستند و یا حتا بدتر از

این کارگران روزمزد یا آنانی که ساعتی کار می کنند گاهی تا محل کار چند ساعت فاصله دارند. امروز محل کار وجود ندارد، این کارگران پول نه برای خرید مواد غذایی دارند و نه برای پرداخت اجاره خانه و نه برای عبور و مرور، صاحب خانه ها آنان را از ملک خود اخراج می کنند و به این ترتیب باید راهی خیابانها شوند. تحت چنین وضعیتی چگونه می توانند در قرنطینه بمانند؟ چگونه می توانند بدون چهار دیواری در قرنطینه، در وضعیت بسته، بدون مواد غذایی از خودشان مراقبت کنند. در ناامیدی فقط در پی به دست آوردن اندکی پول برای بقای خود و یا شاید خانواده هایشان هستند. ولی امکان پذیر نیست.

**حفاظت در قرنطینه به ثروتمندان تعلق دارد. بخش فقیر جامعه با فرزند و خانواده هایشان از گرسنگی و شاید از ابتلاء به ویروس کرونا می میرند.** آنان در محیط فقر و بی چیزی زندگی می کنند، وضعیتی که اجازه پس از انداز به آنان نمی دهد. هیچ کس دارای هیچ چیزی نیست. و نه حتا همبستگی. خیلی بسادگی هیچ چیزی [برای آنان] وجود ندارد. محرومیت تمام و کمال که با توقف کلی فعالیت اقتصادی به وجود آمده، در واقع توقف چرخه اقتصادی به جهان و به ویژه به طبقه محروم از سوی مردان و شاید به همین گونه زنان اهریمنی تحمیل شده است.

این ۳ تا ۴ یا ۵ میلیون نفر در گذشته های دور و نزدیک از مناطق روستایی آمده بودند و دولت هیچ کاری برای کمک به آنان انجام نداد و یا کمکها به اندازه کافی نبود. در جست و جوی زندگی بهتر قطعه زمین کوچک «chacras» خودشان را رها کردند و مسیر شهر بزرگ، بهشت، را در پیش گرفتند و به زندگی در فقری عظیمتر از آلودگی که در روستاهایشان داشتند محکوم شدند و این وضعیت را همواره به امید روزهای بهتر تحمل کردند. امروز، بحران ویروس کرونا زندگی آنان را به وضعیت فلاکتبارتری محکوم کرده است. کمکهای دولتی خیلی اندک است و یا دیر می رسد و یا این که در بزهرکاری ناپدید می شود.

در همبستگی تجمع می کنند، باید به مناطق اصلی و قطعه زمینهای کوچک خودشان و نزد خانواده هایشان بازگردند، یعنی جایی که می توانند سر پناه و مواد غذایی داشته باشند و دوباره احساس کنند که در خانه خودشان هستند. ولی دولت دیکتاتور نظامی به دلایل امنیتی از بازگشت آنان جلوگیری می کند، البته آنان می توانند دیگران را آلوده کنند. بله البته مسخرگی ادامه دارد. و هیچ کس شهامت رفتن ندارد، زیرا از خشونت پولیسی، ضربه باتون و گاز اشک آور می ترسند. ولی جایی برای ماندگاری باقی نمانده، مواد غذایی نیست. تا وقتی که دولت مرکزی قدر قدرت تصمیم گرفت بازگشت آنان را با اتوبوس سازماندهی کند، ولی نه امکانات کافی وجود دارد و نه سازماندهی، و فقط هرج و مرج است که حکمفرمایی می کند، وضعیت وخیم است ولی این وخامت تا کجا می تواند پیش برود؟ گرسنگی بیش از پیش آنان را از پا در می آورد، حرفی از بیماریها و مرگ در اثر کووید-۱۹ نیست، بلکه این بار از گرسنگی می میرند. ولی بر اساس آمار، و به فرمان اربابان، شمار فوتی ها به شکل خودکار به حساب ویروس کرونا گذاشته می شود. طبیعتاً این روند در شمال جهانی به اجراء گذاشته می شود، پس چرا نباید در جنوب جهانی به اجراء گذاشته شود؟

لیما فقط یک نمونه بین نمونه های دیگر در اغلب کشورهای امریکای لاتین است، البته به استثنای ونزوئلا، نیکاراگوئه و کوبا. در این سه کشور نام برده با وجود فقر نوعی احساس همبستگی وجود دارد و مردم در اتحاد با یکدیگرند. دولت در کنار مردم است، ولی بیشتر مشکلات ناشی از مجازاتهائی ست که غربی ها تحمیل کرده اند. مردم عملاً به دلیل همین مجازاتها به قتل می رسند، و پیش از همه به دست دولت نسل برانداز ایالات متحده.

نیویورک تایمز (۲۲ اپریل ۲۰۲۰) گزارش داد: «به جای ویروس کرونا، گرسنگی ما را خواهد کشت». بحران مواد غذایی در چشم انداز جهانی ترسیم می شود. به گفته کارشناسان، جهان هرگز با چنین فوریتی در زمینه مواد غذایی

روبه رو نشده بود. شمار افرادی که با گرسنگی شدید روبه رو می شوند تا پایان امسال می تواند به ۲۶۵ میلیون نفر برسد. علاوه بر این، به گفته نیویورک تایمز :

« در کیبرا، بزرگترین حلبی آباد نایروبی در کنیا، مردم در فقر وصف ناپذیری به سر می برند. در پخش آرد گندم و روغن، مردمی که نامیدانه سعی می کردند این مواد غذایی را به دست آورند موجب هرج و مرج و شورش شدند، بسیاری زخمی و دو نفر نیز جان خود را از دست دادند.»

« در هند، برای مقابله با گرسنگی هزاران نفر از کارگران هر روز دو بار صف می بندند تا نان و سبزیجات به دست آورند.

« و در کلمبیا، خانواده های فقیر لباسهای سرخ و پرچم به پنجره ها یا روی بالکن آویزان می کنند تا اعلام کنند که گرسنه اند.»

« نفت را کنترل کنید و ملتها را کنترل خواهید کرد، و با کنترل مواد غذایی مردم را کنترل خواهید کرد.» هنری کیسینجر

این گزارشات جمله مشهور کیسینجر در سالهای ۱۹۷۰ را درباره قحطی تداعی می کند،



**"Control oil  
and you control  
nations;  
control food  
and you control  
the people."**

– Henry Kissinger

« کسی که ذخیره مواد غذایی را کنترل می کند مردم را کنترل می کند»، او در ادامه این جمله اضافه می کند «کسی که انرژی را کنترل می کند می تواند سراسر قاره ها را کنترل کند، کسی که پول را کنترل می کند می تواند جهان را کنترل کند.»

کیسینجر، مانند گیتس ها، راکفلرها «نیتشان بسیار نیکوست»: آنان همیشه آرزومندی شان را برای کاهش جمعیت جهان در اشکالی که چندان از اوژنیسم به دور نبوده ابراز داشته اند تا فقر را از بین ببرند، « برای مثال با واکسیناسیون، و برای شروع در افریقا. گیتس اخیراً واکسین جدیدش را برای مقابله با کرونا در افریقا پیشنهاد کرد، که دوست خود او دکتر تدروس مدیر کل سازمان جهانی بهداشت به آن مخالفت کرد.

پاندمی ویروس کرونا فقر و گرسنگی را برای میلیونها نفر در جهان به همراه داشته است. و در افق هنوز پایانی بر آن دیده نمی شود.

به عکس، به نظر می رسد که تقریباً همه دولتها یا همکاری کرده اند یا به شکل ضمنی مجبور به اجرای « خطوط تعیین شده» بودند. اهریمنی و در عین حال غیر قابل فهم است. چرا؟ « برگزیدگان جهان » واقعاً خیال می کنند که برای آینده و خوشبختی بشریت می کوشند. با وجود این، اعمال آنان به فقر، بی کاری و ناامیدی انجامیده است.

بدون چنین اقدامات اجباری، به سختی می توانیم توضیح دهیم چرا تقریباً همه دولتهای جهان از چنین برنامه اجتماعی و اقتصادی مصیبت باری تبعیت می کنند و دروغ می گویند، دروغ، دروغ بی شرمانه به مردمانشان. همانهایی که معمولاً باید مردم را از بی کاری، گرسنگی و ناامیدی در امان نگهدارند.

در وضعیت « عادی » نابرابری درنده روی کره خاکی سالانه تقریباً ۹ میلیون نفر در اثر گرسنگی و بیماریهای ناشی از گرسنگی می میرند. این رقم می تواند به شکل تساعدی افزایش یابد. شاید ده ها میلیون، و حتی بیشتر.

گرسنگی و مرگ در اثر گرسنگی می تواند از این میزان نیز فراتر برود، به دلیل کمبود مواد غذایی که به شکل مصنوعی تحریک شده یا به دلیل خشکسالی یا سیل، نتایج تغییرات آب و هوایی ناشی از فعالیتهای انسانی نه به دلیل

افزایش حرارت ناشی از CO2 که به شکل مسخره ای از آن حرف می زنند بلکه با کاربست دستگاه یا برنامه پژوهشی یونوسفر فعال با فرکانس بالا<sup>۷</sup> (هآآرپ) متعلق به ارتش نیروی هوایی ایالات متحده.



### مرزعه آنتن های هآرپ

« طی جنگ ویتنام فن آوری بارورسازی ابرها از سال ۱۹۶۷ در چارچوب طرح پوپی<sup>۸</sup> به کار بسته شد که هدف آن تداوم فصل باران و بستن جاده های تدارکاتی دشمن در مسیر هوشی مین بود». امروز سامانه هآرپ (HAARP) از فن آوری پیشرفته تری استفاده کرده و به یک سلاح نظامی تبدیل شده است. بر اساس پرونده ارتش نیروی هوایی ایالات متحده<sup>۹</sup> تغییرات آب و هوایی برای عملیات نظامی به کار بسته می شود.

« به سربازان گزینش های متعددی را عرضه می کند تا بر دشمن پیروزی شوند و یا موانعی را به او تحمیل کنند ... تغییرات وضعیت آب و هوایی جزئی از امنیت ملی و بین المللی خواهد بود و می تواند در آینده به اجراء گذاشته شود... این فن آوری می تواند برای عملیات تهاجمی یا دفاعی و یا حتی بازدارندگی به کار بسته شود. قابلیت تولید باران، ابر و طوفان در زمین یا تغییرات جوی... ایجاد آب هوای مصنوعی از این پس به مجموع فن آوریهای [نظامی] ضمیمه می شود.»

در چارچوب برنامه واکسیناسیون اجباری که بنیاد گیتس پیشنهاد کرده است، آنانی که از واکسیناسیون امتناع می کنند، برای مثال، نمی توانند مسافرت کنند.

فقر بی شرمانه ای که عمداً به بشریت تحمیل شده بیش از پیش قابل رؤیت می شود. فراسوی تخریب دارائی های مردم و شرکتهای فقر و گرسنگی انتظار می کشد...

امروز هیچ دادگاهی از نوع نورنبرگ، معتمد، اخلاقی و به اندازه کافی قدرتمند وجود ندارد تا برگزیدگان جهان را که مسؤول چنین وضعیتی هستند به دادگاه فراخواند و محاکمه کند.

ما، مردم باید سکان تغییر پارادایمی را که به جریان افتاده به دست بگیریم.

ما، مردم باید از این قرنطینه دردناک بیرون بیائیم.

<sup>7</sup> HAARP ([High Frequency Active Auroral Research Program](#))

<sup>8</sup> Projet Popeye

<sup>9</sup> [US Air Force AF 2025 Final Report](#)



نه با برخورد، بلکه با انتخاب فضیلت و مهارت. باید از نیروی درنده دشمن برای تقویت ضعفهایمان استفاده کنیم، و پیروز شویم.

یک جنرال خوب خشونت را دوست ندارد  
یک جنگجوی خوب با نفرت [خشم و خشونت] بیگانه است  
اگر می خواهید بر دشمنان پیروز شوید، با او برخورد نکنید.  
خودتان را زیر او قرار دهید  
این است آن چیزی که قدرت امتناع از جنگیدن می نامند  
اصل قضیه استفاده از قابلیت‌های انسانهاست  
از دوران باستان، آن را چنین نامیده اند که به معنای در هماهنگی زیستن با آسمان است  
و این بزرگترین قدرتی که وجود دارد (تائو ۶۸ – Tao 68)<sup>۱۰</sup>  
\*

### **The Farce and Diabolical Agenda of A “Universal Lockdown”**

*.Mondialisation Traduit par Maya pour*

\* - درباره پیتر کونینگ :

پیتر کونینگ اقتصاد دان و تحلیلگر ژئوپلیتیک، و در عین حال کارشناس منابع آب و محیط زیست است. او طی بیش از ۳۰ سال در بانک جهانی و سازمان جهانی بهداشت در سراسر جهان به علاوه در فلسطین در زمینه محیط زیست و آب کار کرده است. او در دانشگاه های ایالات متحده، اروپا و امریکای جنوبی سخنرانی برگزار می کند. پیتر کونینگ پیوسته برای مرکز پژوهشهای جهانی سازی...

*Global Research, ICH, RT, Sputnik, PressTV, The 21st Century,  
Greenville Post, Defend Democracy Press, TeleSUR, The Saker Blog, le  
New Eastern Outlook (NEO)*

و دیگر سایتهای اینترنتی مقاله می نویسد. او نویسنده کتاب : انفجار - داستان دلهره آمیز اقتصادی درباره جنگ، تخریب محیط زیست و حرص و آز شرکتها<sup>۱۱</sup> - داستان تخیلی بر اساس واقعیات و ۳۰ سال تجربه در بانک جهانی در سراسر جهان. او به همکاری کریستوفر بلاک کتاب نظم جهانی و انقلاب<sup>۱۲</sup> را نیز نوشته است.

\*\*\*

---

<sup>10</sup> مترجم : در اینجا پیتر کونینگ به مبانی مکتب تائوئیسم در چین باستان اشاره دارد، برای درک عمیقتر مطالب پایانی او شاید بهتر باشد بیشتر با تائوئیسم آشنا شویم. برای مثال، استفاده از قدرت دشمن در هنرهای رزمی مانند کی کونگ یا تائی چی باید یاد کنیم. هماهنگی با طبیعت و تقلید از عناصر طبیعی... بی گمان روشن است که تائوئیسم از دیدگاه فلسفی ایده آلیست است و واقعیت را در جهان باطن جست و جو می کند. تائوئیسم بیشتر یک شیوه زندگی و کلیت را در بر می گیرد و در طول تاریخ به شناخت عمیقی از طب دست یافته و آن را در سطح توده ها گسترش داده است.

<sup>11</sup> Implosion: An Economic Thriller About War, Environmental Destruction and Corporate Greed (Anglais) Relié – 4 janvier 2008

<sup>12</sup> World Order and Revolution

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/la-farce-et-lagenda-diabolique-dun-verrouillage-universel/5644828>

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/۴ مه ۲۰۲۰